

سلام افلا



دانشگاه تربیت مدرس

بسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

خانم / آقای **پیر الله هنری لطیف پور** رساله
 در تاریخ **۱۳۹۲/۶/۳۱** ارائه کردند.
 واحدی خود را با عنوان: **فصلیت مدن در اندیشه
 عرفانی: مطالعه موردی سنایی و مولانا**
 اعضای هیات داوران نسخه نهایی این رساله را از نظر فرم و محتوا تایید کرده است و پذیرش آنرا برای
 تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	دانشیار	دکتر عباس موزوی	۱- استاد راهنمای اصلی
-	-	-	۲- استاد راهنمای دوم
	استادیار	دکتر حسین ماردانی	۳- استاد مشاور اول
	دانشیار	دکتر امیر سعیدی	۴- استاد مشاور دوم
	استادیار	دکتر امیرابوالفضل شکرانی	۵- استاد ناظر
	دانشیار	دکتر امیر سعیدی	۶- استاد ناظر
	دانشیار	دکتر امیر سعیدی	۷- استاد ناظر
	دانشیار	دکتر امیر سعیدی	۸- استاد ناظر
	دانشیار	دکتر امیر سعیدی	۹- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسان‌ها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.


ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آیین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب **یدالله هنری لطیف‌پور** دانشجوی رشته **علوم سیاسی** ورودی سال تحصیلی **۱۳۸۷** مقطع **دکتری** دانشکده **علوم انسانی** متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آیین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

نام و نام خانوادگی: **یدالله هنری**

تاریخ و امضا: 

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل رساله دکتری نگارنده در رشته علوم سیاسی است که در سال ۱۳۹۲ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر عباس منوچهری، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر و مشاوره جناب آقایان دکتر حاتم قادری و دکتر ناصر نیکوبخت از آن دفاع شده است.»


ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب یدالله هنری لطیف پور دانشجوی رشته علوم سیاسی مقطع دکتری تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: یدالله هنری

تاریخ و امضا: 



رساله دوره دکتری در رشته علوم سیاسی

فضیلت مدنی در اندیشه عرفانی

(مطالعه موردی: سنایی و مولانا)

یدالله هنری لطیف پور

استاد راهنما:

دکتر عباس منوچهری

اساتید مشاور:

دکتر حاتم قادری

دکتر ناصر نیکو بخت

شهریور ۱۳۹۲

تقدیم:

بہ ہمسرم بہ پاس فداکاریا و صوریہایش

تقدیر و سپاس

در به انجام رسانیدن این پژوهش مرهون راهنمایی و یاری استادان و دوستان بسیاری هستم. از این رو به رسم نیکوی ارباب معرفت بر خود فرض می‌دانم که از همه‌ی استادان ارجمندی که مرا در این راه یاری رسانده‌اند تقدیر و سپاسگزاری کنم. در این بین پیش و بیش از همه می‌باید از استاد ارجمند جناب آقای دکتر عباس منوچهری که راهنمایی مرا در انجام این پژوهش به عهده داشتند تقدیر و تشکر صمیمانه نمایم. دکتر منوچهری با حوصله و صمیمیت و نیز دقت نظر و تذکرات ارزشمند، در به سامان رسانیدن این اثر مرا راهنمایی کردند. نیز از استادان ارجمند و فرهیخته جناب آقای دکتر حاتم قادری و جناب آقای دکتر ناصر نیکویخت که مشاوره این رساله را پذیرفتند صمیمانه سپاسگزارم. بدون شک دانش، روش و منش این استادان محترم به ویژه شیوه‌ی مواجهه جناب آقای دکتر قادری با موضوع و مباحث، و نکات مهمی که در روند تدوین این رساله یادآور شدند برای اینجانب الهام بخش بوده است. همچنین از استادان ارجمند آقایان دکتر ابوالفضل شکوری، دکتر سعید بزرگ بیگدلی، دکتر مهدی شریفیان و دکتر قدیر نصری که بر اینجانب منت نهاده و زحمت نظارت و داوری این رساله را پذیرفتند و با ارائه نکات انتقادی و ارزشمند خود از نقاط ضعف این اثر کاستند صمیمانه سپاسگزارم.

از دوست گرامی ام آقای یحیی دانشجوی دکتری علوم سیاسی که گفت و گوهای مفیدی را درباره برخی از مباحث این رساله با ایشان داشته‌ام، و نیز سخاوتمندانه کتابخانه‌ی شخصی خود را در اختیار بنده نهادند سپاسگزارم. نیز قدردان دوست ارجمند جناب آقای محمدرضا کریمی کارشناس ارشد ادبیات فارسی هستم که علاوه بر در اختیار نهادن کتابخانه شخصی خود، در مدت انجام این پژوهش نکات مفیدی را درباره‌ی برخی از محورهای این رساله در میان گذاشتند. کارشناسان و کارکنان کتابخانه‌های دانشگاه بوعلی سینا همدان خانمها سیف، جدیدی و زمانی در فراهم ساختن امکان استفاده از منابع موجود در آن کتابخانه‌ها مساعدت زیادی به عمل آوردند که از این بابت از آنان سپاسگزارم.

سرانجام و بیش از همه، مدیون یکایک اعضای خانواده‌ام، نخست همسر و سپس فرزندان عزیزم مصطفی و احسان هستم که، وقتی را که متعلق به آنها بوده است، به دلیل اشتغال به امر تحصیل، از آنان دریغ داشته‌ام. از درگاه خداوند مهربان برایشان سلامت و سعادت آرزو می‌کنم.

چکیده:

مطالعه‌ی «عرفان» به عنوان یک سنت کهن و ریشه دار و تأثیر گذار در تاریخ فکر و فرهنگ و حیات اجتماعی ایران و به ویژه نسبت آن با «اندیشه سیاسی» از موضوعات مهم و متنازع فیه در میان محققان بوده است. برخی از محققان با ابتناء بر مقومات و مبادی نظری و معرفتی عرفان، قائل به نسبت امتناع بین عرفان و سیاست بوده و هرگونه امکان استنتاج و تولید اندیشه سیاسی و مدنی را از اندیشه عرفانی منتفی و اساسا عرفان و سیاست را متعلق به دو پارادایم و ساحت فکری متعارض و قیاس ناپذیر دانسته‌اند. از این رو فهم سرشت و ماهیت «عرفان» به عنوان بخش مهمی از میراث فکری ایران و ارزیابی نسبت آن با «اندیشه سیاسی» و تبیین و ایضاح قابلیت و ظرفیت آن در تأسیس اندیشه سیاسی هنجاری و فضیلت مدنی هدف اصلی این پژوهش است. بر مبنای درکی از اندیشه سیاسی هنجاری که غایت آن دستیابی به معیاری برای خوب یا درست زیستن از طریق سامان و مناسبات نیک است، مدعای این جستار آن است که مطالعه‌ی عمیق سنت عرفانی در سده‌های میانی - با تأکید بر آثار اندیشمندان و عارفان بزرگی چون مولانا و سنایی - بیانگر این مهم است که عرفان به مثابه نوعی از خودآگاهی که جوهره‌ی آن عشق به خداوند و حقیقت هستی و محبت و حس همدلی و تفاهم و همبستگی با همه موجودات به عنوان آیات و جلوه‌ها و مظاهر حق و «دغدغه‌ی دیگری» داشتن است، دارای ظرفیت و امکان پرداخت الگویی نظری از فضیلت مدنی و به تبع آن الگویی از زیست مدنی و اجتماعی است. برخلاف دیدگاههایی که عرفان را نافی وجود «فرد» انسانی و یا منادی و مروج تفرد و تنزه طلبی و گوشه گیری و انزلام دانسته‌اند، جوهر عرفان در وجه انسانی و انضمامی آن مدارا و «دیگر دوستی» و به تبع آن تحکیم «همبستگی» و «تفاهم» بین انسان‌ها است. برای مواجهه با آثار عرفانی مولانا و سنایی و فهم درست آنها، از رهیافت متنی و روش عقلی تفسیری استفاده می‌گردد.

واژگان کلیدی: عرفان، اندیشه سیاسی، فضیلت مدنی، سنایی، مولانا، دوستی، مدارا

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل یکم: مقدمه و کلیات پژوهش	۱
۱-۱. طرح مسئله	۲
۲-۱. سوالات و فرضیه‌های پژوهش	۵
۳-۱. اهداف پژوهش	۶
۴-۱. ضرورت پژوهش	۶
۵-۱. ادبیات و سابقه پژوهش	۷
۱-۵-۱. پژوهش‌های نظری کلی راجع به رابطه عرفان و سیاست	۸
۱-۱-۵-۱. رویکرد ایجابی	۸
۲-۱-۵-۱. رویکرد میانه (سازگاری نسبی عرفان و سیاست)	۱۱
۳-۱-۵-۱. رویکرد سلبی	۱۲
۲-۵-۱. پژوهش‌های موردی درباره تضمینات سیاسی اندیشه‌های سنایی و مولانا	۱۵
۱-۲-۵-۱. پژوهش‌های مربوط به سنایی	۱۵
۲-۲-۵-۱. پژوهش‌های مربوط به مولوی	۱۹
۶-۱. سازماندهی پژوهش	۲۳
فصل دوم: روش و چارچوب نظری پژوهش	۲۵
۱-۲. روش پژوهش	۲۶
۲-۲. چارچوب نظری پژوهش	۳۴
۳-۲. نتیجه	۳۷
فصل سوم: سازه‌ها و ناسازه‌های اندیشه عرفانی	۳۸
۱-۳. درآمد	۳۹
۲-۳. دیدگاه معرفت‌شناختی یا اندیشه‌ای	۴۰
۱-۲-۳. مؤلفه‌های بنیادی عرفان	۴۱

- ۴۱-۳-۲-۱. اعراض از دنیا؟
- ۴۲-۳-۲-۱. خوار داشتن قدرت سیاسی؟
- ۴۳-۳-۲-۱. تفرد و انزوا گرایی؟
- ۵۲-۳-۲-۱. تفکر غیر مدنی عرفان؟
- ۵۷-۳-۲-۱. فلسفه ستیزی و عقل‌گریزی عرفان؟
- ۵۸-۳-۲-۱. نخبه‌گرایی عرفان؟
- ۵۹-۳-۲-۱. مرید پروری عرفان؟
- ۶۰-۳-۲-۱. باطن‌گرا بودن عرفان؟
- ۶۰-۳-۲-۱. ملازمه عرفان با اندوه و حزن هستی‌شناختی؟
- ۶۲-۳-۲-۱. نسبت بین اندیشه و شرایط تاریخی
- ۶۴-۳-۳. دیدگاه نتیجه‌محور یا پیامدگرا
- ۶۶-۳-۴. دیدگاه تاریخی
- ۶۹-۳-۵. نتیجه

فصل چهارم: اندیشه سیاسی و فضیلت مدنی

- ۷۱-۴-۱. درآمد
- ۷۳-۴-۲. مفهوم فضیلت
- ۷۶-۴-۳. روایت‌های مختلف اندیشه سیاسی و فضیلت مدنی
- ۷۶-۴-۳-۱. اندیشه سیاسی و فضیلت مدنی در روایت کلاسیک یونان
- ۸۷-۴-۳-۲. اندیشه سیاسی و فضیلت مدنی در روایت قرون وسطای مسیحی
- ۹۰-۴-۳-۳. اندیشه سیاسی و فضیلت مدنی در دوره کلاسیک اسلامی
- ۹۴-۴-۳-۴. اندیشه سیاسی و فضیلت مدنی در روایت مدرن (از ماکیاوولی و هابز تا روسو)
- ۹۴-۴-۳-۵. چرخش در فهم از امر سیاسی و به محقق رفتن مفهوم فضیلت
- ۱۰۲-۴-۳-۵. اندیشه سیاسی و فضیلت مدنی در روایت معاصر
- ۱۰۲-۴-۳-۵-۱. فضیلت مدنی در روایت گفتگویی
- ۱۰۴-۴-۳-۵-۲. فضیلت مدنی در سنت جمهوری خواهی

- ۱۰۷.....۳-۵-۳-۴. اندیشه سیاسی و فضیلت مدنی از نگاه جامعه گرایان.....
- ۱۰۹.....۴-۴. نتیجه.....

فصل پنجم: عرفان (تعریف، خاستگاه، و مشربها)..... ۱۱۱

- ۱۱۲.....۱-۵. درآمد.....
- ۱۱۳.....۲-۵. تعریف عرفان.....
- ۱۱۴.....۱-۲-۵. عرفان و تصوف.....
- ۱۱۵.....۳-۵. منشأ و خاستگاه عرفان.....
- ۱۱۶.....۱-۳-۵. عرفان ایرانی - اسلامی، تفکری وارداتی.....
- ۱۱۷.....۲-۳-۵. اسلام خاستگاه عرفان ایرانی - اسلامی.....
- ۱۱۷.....۳-۳-۵. عرفان ایرانی - اسلامی معرفتی تألیفی.....
- ۱۲۰.....۴-۵. مشرب‌های عرفانی.....
- ۱۲۱.....۱-۴-۵. عرفان زاهدانه یا مکتب بغداد.....
- ۱۲۲.....۲-۴-۵. عرفان عشقی یا مکتب خراسان.....
- ۱۲۴.....۳-۴-۵. عرفان نظری یا فلسفی.....
- ۱۲۹.....۴-۴-۵. عرفان عملی یا اخلاقی.....
- ۱۳۳.....۵-۵. نتیجه.....

فصل ششم: دلالت‌های معرفتی اندیشه سنایی و مولوی..... ۱۳۵

- ۱۳۶.....۱-۶. درآمد.....
- ۱۳۹.....۲-۶. دلالت‌های معرفتی اندیشه‌ی سنایی.....
- ۱۳۹.....۱-۲-۶. زندگی و آثار سنایی.....
- ۱۴۳.....۲-۲-۶. فضای فکری غالب در عصر سنایی.....
- ۱۴۴.....۱-۲-۲-۶. کلام اشعری.....
- ۱۴۶.....۲-۲-۲-۶. گفتار فلسفی.....
- ۱۴۹.....۳-۲-۲-۶. گفتار عرفانی غالب.....

۱۵۰.....	۴-۲-۲-۶. هستی شناسی سنایی
۱۵۱.....	۵-۲-۲-۶. انسان شناسی سنایی
۱۵۶.....	۳-۶. دلالت‌های معرفتی اندیشه‌ی مولوی
۱۵۶.....	۱-۳-۶. زندگی و آثار
۱۵۸.....	۲-۳-۶. فضای غالب فکری عصر وی
۱۵۸.....	۱-۲-۳-۶. وضع فلسفه
۱۶۰.....	۲-۲-۳-۶. عرفان ابن عربی
۱۶۲.....	۳-۲-۳-۶. کلام اشعری
۱۶۳.....	۴-۲-۳-۶. هستی شناسی مولانا
۱۶۶.....	۵-۲-۳-۶. انسان شناسی مولانا
۱۷۴.....	۶-۲-۳-۶. شهر در اندیشه مولانا
۱۷۷.....	۴-۶. نتیجه

فصل هفتم: دلالت‌های تبیینی (وضعیتی) اندیشه‌ی سنایی و مولانا..... ۱۷۸

۱۷۹.....	۱-۷. درآمد
۱۸۱.....	۲-۷. دلالت‌های تبیینی (وضعیتی) اندیشه سنایی
۱۸۱.....	۱-۲-۷. اوضاع سیاسی عصر سنایی
۱۸۴.....	۲-۲-۷. نقد ساختاری قدرت سیاسی
۱۸۹.....	۳-۲-۷. نقد اجتماعی
۱۹۰.....	۱-۳-۲-۷. نقد صوفیان
۱۹۱.....	۲-۳-۲-۷. نقد علمای قشری
۱۹۱.....	۳-۳-۲-۷. نقد عوام و عوام‌گرایی
۱۹۴.....	۳-۷. دلالت‌های تبیینی اندیشه‌ی مولوی (تحلیل مولانا از شرایط زمانه)
۱۹۴.....	۱-۳-۷. اوضاع سیاسی عصر مولوی
۲۰۰.....	۲-۳-۷. نقد اجتماعی و اخلاقی
۲۰۰.....	۱-۲-۳-۷. انتقاد مولانا از «بی‌عملی» مردمان

- ۲۰۰..... نقد روحیه عوام گرایی و توده گرایی ۲-۲-۳-۷
- ۲۰۲..... نقد قدرت سیاسی (نقد استبداد و ساخت قدرت) ۳-۳-۷
- ۲۰۳..... نسبت قدرت سیاسی و مردم ۱-۳-۳-۷
- ۲۰۷..... نفی مصاحبت با پادشاهان؟ ۲-۳-۳-۷
- ۲۰۹..... نفی حاکمیت افراد ناصالح ۳-۳-۳-۷
- ۲۱۲..... نتیجه ۴-۷

فصل هشتم: فضیلت مدنی در اندیشه سنایی..... ۲۱۴

- ۲۱۵..... درآمد ۱-۸
- ۲۱۶..... دلالت‌های هنجاری اندیشه‌ی سنایی..... ۲-۸
- ۲۱۷..... نظام اخلاقی سنایی..... ۱-۲-۸
- ۲۲۰..... فضیلت‌های معطوف به اصلاح ساختار قدرت..... ۱-۱-۲-۸
- ۲۲۰..... عدالت..... ۱-۱-۱-۲-۸
- ۲۲۱..... نکوداشت مصلحان..... ۲-۱-۱-۲-۸
- ۲۲۲..... فضیلت‌های (مدنی) معطوف به اصلاح نظام مدنی و اجتماعی..... ۲-۱-۲-۸
- ۲۲۳..... دوستی و همبستگی..... ۱-۲-۱-۲-۸
- ۲۲۶..... مدارا..... ۲-۲-۱-۲-۸
- ۲۲۹..... پرسشگری بنیان و مایه‌ی قوام مدینه..... ۳-۲-۱-۲-۸
- ۲۳۰..... نتیجه ۳-۸

فصل نهم: تضمینات هنجاری اندیشه مولوی..... ۲۳۲

- ۲۳۳..... درآمد ۱-۹
- ۲۳۴..... دلالت‌های هنجاری اندیشه مولانا..... ۲-۹
- ۲۳۴..... نظام اخلاقی مولانا..... ۱-۲-۹
- ۲۳۹..... عشق و دوستی..... ۲-۲-۹
- ۲۴۰..... دوستی شالوده‌ی روابط اجتماعی..... ۱-۲-۲-۹

۲۴۵.....دوستی و روان درمانی.....۲-۲-۲-۹
۲۴۶.....مدارا.....۳-۲-۹
۲۴۷.....«مدارا» الزامی معرفت شناختی.....۱-۳-۲-۹
۲۴۹.....مدارا، پاسخی به نیاز عصر.....۲-۳-۲-۹
۲۵۳.....نتیجه.....۳-۹

۲۵۴.....نتیجه و یافته‌های کلی پژوهش.....
۲۶۳.....فهرست منابع و مآخذ.....
۲۷۸.....چکیده انگلیسی.....

فصل یکم:

مقدمه و کلیات پژوهش

۱-۱. طرح مسئله

عرفان یکی از حوزه‌های مهم فکری در تاریخ ایران است که بویژه از سده‌های میانی دوره اسلامی تأثیر گسترده و پایداری بر ساختها و قلمروهای معرفتی، سیاسی و اجتماعی ایران نهاده است. اهمیت و تأثیر بنیادین عرفان در تاریخ تفکر ایران به حدی بوده است که از اندیشه‌ی عرفانی به عنوان یکی از ارجمندترین تجلیات فرهنگ و معنویت ایرانی یاد شده است. (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۱۳۷). از این رو در بحث از ماهیت اندیشه‌ی سیاسی در ایران، به عنوان یکی از وجوه اندیشه، سنجش نسبت «عرفان» و «اندیشه سیاسی»^۱ مورد توجه و امعان نظر محققان قرار گرفته است.

توجه محوری اندیشه‌ی سیاسی همواره معطوف به سامان بخشیدن به زندگی انسان بوده است. در حقیقت اندیشه‌ی سیاسی در پی پاسخ گفتن به پرسش‌هایی از این دست است که چگونه ممکن است انسان‌ها در کنار یکدیگر زیستی شایسته، عادلانه و بخردانه و عاری از تهدید و خشونت و فساد را تجربه کنند؛ و یا چگونه می‌توانند با هم به گونه‌ای اخلاقی، عادلانه و صلح آمیز زندگی کنند. بدین ترتیب جزء لاینفک اندیشه‌ی سیاسی، هنجاری بودن آن است. به این معنا که اندیشه‌ی سیاسی علاوه بر توصیف و توضیح سرشت «امر سیاسی» در پی دستیابی به معیاری برای خوب یا درست زیستن از طریق سامان و مناسبات نیک است. هدف اندیشه‌ی سیاسی جستار در حقیقت سیاست فی نفسه نیست؛ بلکه کوششی است عملی برای پیدا کردن راه‌حلهایی در جهت بالا بردن کارآمدی، تنظیم و اداره بهتر مدینه. به بیان دیگر «اندیشه‌ی سیاسی هم حیثیت تجربی و توضیحی و توصیفی دارد و هم حیثیت هنجاری». اندیشه‌ی هنجاری در حقیقت وضعیت مطلوبی را ترسیم می‌کند که در عالم واقع وجود ندارد، اما می‌توان آن را مستقر کرد. مفهوم هنجاری آنگونه مفهومی است که مستقیماً و یا به صورت استعاره‌ای، نماد اوضاع مناسب و کلیتی است که نقطه مقابل بی‌نظمی و نقص است. در

1- Political thought

اندیشه‌ی سیاسی کلاسیک، هدف از همزیستی و اجتماع آدمیان در کنار هم نه تنها «زندگی کردن» بلکه «خوب زندگی کردن» است. وصول به این هدف و غایت بنیادین مستلزم وجود فضایل و ملکاتی است که ناظر و معطوف به اصلاح و سامان دهی فضای زیست همگانی جامعه انسانی باشد؛ به همین دلیل است که بحث از فضیلت مدنی و تعیین شاخصه‌ها و ویژگی‌های آن همواره یکی از دغدغه‌ها و موضوعات مهم مورد توجه فلاسفه سیاسی بوده است. (Graham, 2000: 61)

یکی از مهمترین این فضیلت‌ها فضیلتِ «دوستی»^۱ در میان اعضای جامعه است. از این نگاه، دوستی نه تنها یک فضیلت و هنجار انسانی فردی است، بلکه مهم‌تر و فراتر از آن یک فضیلت مدنی و اجتماعی است. از نگاه ارسطو محبت - به عنوان یکی از فضیلت‌های مدنی - باعث قوام مدائن است و در نظر قانون‌گذاران، دوستی ارزشی حتی بیشتر از عدالت دارد، چرا که آنجا که دوستی هست نیازی به عدالت نیست، ولی عادلان نیازمند دوستانند. (ارسطو، ۱۳۸۵: ۲۹۲).

بحث از فضایل مدنی و مؤلفه‌ها و عناصر آن از جمله مفهوم دوستی و محبت در اندیشه‌ی سیاسی کلاسیک اسلامی نیز از جمله در آراء فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی جایگاه ممتازی یافته است. از نگاه فارابی و به تبع ارسطو، محبت عامل پیوند اجزاء مدینه و موجب قوام و پایداری آن می‌باشد. خواجه نصیرالدین طوسی نیز در آراء خود بر نقش محبت و دوستی به مثابه یکی از فضیلت‌های مدنی شاخص در محافظت از نظام نوع تأکید کرده است (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۵۹). با این همه در تاریخ اندیشه‌ی سیاسی و در یک سیر نزولی، «دوستی» از موقعیت و جایگاه ارجمند یک «فضیلت مدنی» و «غایت بنفسه» در نگاه ارسطو و دیگر اندیشمندان عصر کلاسیک، تا مرز یک مقوله و عنصر ابزاری و فردی در دوره‌ی مدرن تنزل یافت. اما در دوره‌ی معاصر با مطرح شدن مفاهیم «تمایز»^۲ و «دیگری»^۳ و نیز محوریت یافتن فلسفه بینادهنیت برخلاف محوریت سوژه‌ی دکارتی، روابط بین سوژه‌ها مورد توجه قرار گرفت. طرح مفهوم «همدلی»^۴ از سوی ماکس شلر^۵ و مفهوم «همبستگی»^۶ از طرف یورگن هابرماس^۷ و هانا آرنه^۸ نشانه اهمیت یافتن مفاهیم بینانفسی در اندیشه‌ی سیاسی معاصر است. نهایت آنکه «همبستگی» به معنای اشتراک اساسی ارزشها و دیدگاهها و یک فهم و تعبیر مشابه در باب اینکه

1- Friendship
2- Difference
3- Otherness
4- Empathy
5- Max Scheler
6- Solidarity
7- Habermas
8- Hanna Arendt

چه چیزی مهم است و چه کاری ارزش انجام دادن دارد، یکی از شاخص ترین فضیلت‌ها و هنجارهای اندیشه سیاسی معاصر در راستای حل و رفع تعارضات درونی اندیشه‌ی سیاسی مدرن و سامان بخشیدن به فضای زیست عمومی، با توجه همزمان به حق خصوصی و عمومی است. نکته‌ی مهم دیگر درباره‌ی اندیشه‌ی سیاسی، به ویژه در میراث ایرانی - اسلامی، آن است که - به رغم برخی از دیدگاهها - اندیشه‌ی سیاسی در قالبها و صور بیانی مختلفی ظهور و بسط یافته است که تنها یکی از صور آن و البته بارزترین و مهمترین صورت آن، فلسفه‌ی سیاسی است. از جمله صور دیگر اندیشه‌ی سیاسی می‌توان به ادبیات سیاسی، اندرزنامه نویسی و الهیات سیاسی - که شامل فقه سیاسی، کلام سیاسی و عرفان سیاسی است - اشاره کرد. از این رو مفروض ما در این جستار این است که عرفان نیز همانند دیگر حوزه‌های معرفتی می‌تواند به عنوان منبعی برای کشف و استنتاج اندیشه‌های سیاسی مورد کاوش و تحلیل قرار گیرد.

عرفان طیف وسیعی از معانی را شامل می‌شود و از مفاهیمی است که برداشتها و تعاریف متنوع و گاه متناقضی از آن ارائه شده است. در یک بررسی کلی و بسیار فشرده، محققان «عرفان را در زبانهای گوناگون و با نامهای مختلف دست کم به شش مفهوم کلی فهم کرده و به کار برده‌اند که هر کدام شامل تقریرها و تلقی‌های مختلفی بوده که عبارتند از عرفان به مثابه آموزه (عرفان نظری)، تجربه و سلوک (عرفان عملی)، علم (شاخه‌ای از دانش بشری)، راه نجات، نوعی معرفت ویژه و فرآیندی از تغییر و تحول» (کاکایی، ۱۳۸۱: ۲). در عرفان نظری دو مسئله اساسی مورد بحث قرار می‌گیرد: اول توحید و دوم موحد. یعنی خداوند و انسان موضوع و محور اصلی معرفت عرفانی هستند. در حقیقت عرفان نظری به شرح و بیان اسماء و صفات الهی و حالات و مقامات انسان در سلوک به سوی خداوند و وصول به اسماء او می‌پردازد. به لحاظ هستی شناختی عرفان وجود و هستی را دارای هویت تعلقی و ربطی و غیر استقلالی می‌داند؛ از این منظر جمیع موجودات عالم و از جمله انسان مظهر و جلوه خداوند و وجود مطلق هستند. به لحاظ معرفت شناختی نیز عرفان، معرفت مستقیم به خداوند یا حقیقت روحانی یا واقعیت نهایی یا واقعیت مطلق را تنها از طریق شهود، بصیرت یا اشراق و کشف بی واسطه امکان پذیر می‌داند. (ملکیان، ۱۳۸۱: ۳۳۴). واضح است که چنین تعریفی از عرفان، اساساً ناظر بر وجوه نظری و معرفت شناختی بوده و عرفان را به مثابه نوعی تلقی و نگرش و جهان بینی می‌نمایاند؛ و ابعاد هستی شناختی و انسان شناختی و نیز وجوه عملی - عمل به معنای کنش و پراکسیس - و انضمامی عرفان اسلامی - ایرانی را که معرف و بیانگر تلقی عرفان از هویت انسان بوده و معطوف به

ساحت عملی زندگی و حیات اجتماعی و مدنی انسان است، مغفول نهاده است. با این تذکار، غایت این جستار اساساً سنجش و بررسی آن وجه از اندیشه‌های انسان شناسانه و اجتماعی دو عارف و اندیشمند بزرگ ایرانی، ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی، و مولانا جلال الدین محمد بلخی است که ناظر بر سامان بخشیدن به حیات جمعی انسان‌هاست؛ چرا که نقطه‌ی مشترک عرفان و سیاست به مثابه دو نظام فکری مستقل همانا نگاه این دو نظام اندیشه‌ای به انسان و راهبرد محتمل آنها برای تحقق سعادت وی است. به بیان دقیق تر آنچه مطمح نظر این پژوهش است این است که با بررسی و واکاوی آثار مهم سنایی و مولانا، نسبت اندیشه‌ی آنها را با مفهوم «فضیلت مدنی» به عنوان یکی از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های بنیادین اندیشه‌ی سیاسی هنجاری تحلیل نماید.

۱-۲. سوالات و فرضیه‌های پژوهش

پرسش اصلی رساله حاضر این است که چه نسبتی بین اندیشه‌ی عرفانی - آنگونه که در اندیشه و آثار سنایی و مولانا نمود یافته است - و «فضیلت مدنی» وجود دارد؟ در ذیل این پرسش کلی به این سوالات فرعی پرداخته می‌شود:

۱- تفکر عرفانی چگونه می‌تواند بستر لازم و مناسب را - به لحاظ نظری - جهت تحقق الگویی از زیست مسالمت آمیز و عادلانه در عرصه‌ی عمومی فراهم سازد؟

۲- مؤلفه‌ها و شاخصه‌های عرفان مدنی که معطوف به تحقق چنین الگویی از جامعه‌ی نیک و بسامان هستند کدامند؟

در پاسخ به پرسش اصلی، فرضیه‌ی پژوهش این است که:

امکان تأسیس الگویی از «فضیلت مدنی» با ابتناء بر عرفان در اندیشه ایرانی - اسلامی، آنگونه که در آثار سنایی و مولانا بسط یافته است، وجود دارد. به بیان دیگر اندیشه‌ی عرفانی موجود در آثار و متون عرفانی مورد نظر ظرفیت و قابلیت لازم را جهت تأسیس الگویی از فضیلت مدنی، به معنای تعهد و التزام به مصلحت و خیر عمومی، دارا می‌باشد. بدیهی است توفیق در نشان دادن درستی چنین فرضی راهگشای ما به ایضاح نسبت عرفان، و سیاست به معنای «اندیشه‌ی سیاسی» خواهد بود.

فرضیه‌ی جایگزین این است که اندیشه‌ی عرفانی مطرح شده در آثار سنایی و مولانا به ویژه حدیقه‌ی سنایی و مثنوی معنوی اگر چه به نحو صریح و نظام مند به طرح فضایل مدنی نپرداخته است، بدون تردید متضمن الگویی از «فضیلت مدنی» است. در این صورت بی آنکه بخواهیم به

جستجوی مفاهیم مشابه فضیلت مدنی در سنت عرفانی برآییم و با گذر از ظاهر و پوسته‌ی مفاهیم و واژگان عرفانی و تأمل در روح و جانمایه تفکر عرفانی کوشش می‌شود تا استلزامات مدنی و اجتماعی تفکر عرفانی آشکار گردد. با این فرض نسبت سنجی اندیشه‌ی عرفانی و فضیلت مدنی، ویژگی استعداد سنجی به خود می‌گیرد؛ به عبارت دیگر پژوهش به دنبال فهم تضمینات سیاسی اندیشه عرفانی و یا ارزیابی و سنجش استعدادهای بالقوه اندیشه‌های عرفانی در انطباق و تلائم و سازگاری با مفهوم فضیلت مدنی خواهد بود. شایان گفتن است که با توجه به گستردگی و تنوع نحله‌های عرفانی و پیچیدگی موضوع نسبت عرفان و اندیشه‌ی سیاسی غرض از این پژوهش تنها ارزیابی ظرفیتهای سیاسی و مدنی عرفان با تکیه بر اندیشه‌های سنایی و مولاناست و پر واضح است که تحلیل و تبیین رابطه و نسبت میان تفکر عرفانی به معنای وسیع و اندیشه‌ی سیاسی و فضیلت مدنی مستلزم انجام پژوهش‌های عمیق و گسترده پیرامون کل میراث تفکر عرفانی است که بیرون از عهده این جستار است.

۱-۳. اهداف پژوهش

این تحقیق دو هدف عمده را مطمح نظر دارد:

- ۱ - فاصله گرفتن از رویکرد معرفت شناسانه‌ی صرف در مواجهه با اندیشه‌ی عرفانی، به منظور فهم درست و واقع بینانه‌ی میراث اندیشه‌ی ایرانی - اسلامی
- ۲- سنجش ظرفیتهای سیاسی و مدنی اندیشه‌ی عرفانی

۱-۴. ضرورت پژوهش

تعیین جایگاه و اهمیت اندیشه‌ی عرفانی به عنوان بخش مهمی از میراث فکری ایران برای زمان حال ضروری است. با توجه به اینکه اندیشه عرفانی نقش برجسته‌ای در تاریخ فکر و فرهنگ و تحولات اجتماعی ایران داشته است، امکان تداوم چنین نقشی از رهگذر واکاوی اندیشه‌ی عرفانی و ظرفیتهای نظری بالقوه آن در بستر سازی نظام مدنی مورد سؤال و سنجش قرار می‌گیرد. با توجه به نیاز مبرم جامعه ما به پژوهش‌های نظری عمیق در راستای ایجاد و تسهیل مناسبات سیاسی و مدنی نیک و عادلانه، تلاش می‌شود بنیان‌های نظری و ضروری این مهم در ساحت و عرصه‌ی اندیشه‌ی عرفانی نشان داده شود. ارزیابی این امر به ویژه با توجه به برخی دیدگاهها که - بنابر گزارش میرسپاسی - بر